فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۸۶
سال بیست و ششم، تابستان ۱۳۹۷، صفحه ۲۵۷-۲۳۵

اشتغال، سودآوری و ارزش‌افزوده هنرهای تجسمی (مطالعه موردی: گالری‌های هنری تهران)

میثم موسائی
استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)
mousaaei@ut. ac. ir
سیما طاهرخانی
کارشناس‌ارشد اقتصاد هنر
simataherkhani82@yahoo. com

این مقاله درصدد یافتن پاسخی برای چهار مسأله است: ارزش‌افزوده هنرهای تجسمی در ایران چه مقدار است؟ تعداد شاغلین مستقیم هنرهای تجسمی چه میزان است؟ هزینه ایجاد یک فرصت شغلی در این بخش چه مقدار است؟ آیا این بخش از لحاظ اقتصادی سودآور است؟ اگر پاسخ مثبت است، متوسط نرخ‌سود سالیانه چند درصد است؟ در این مطالعه، تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش توصیفی- تحلیلی انجام شده و برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز، علاوه بر مطالعه منابع موجود، اطلاعات مالی ۱۰ گالری فعال مستقر در تهران از طریق مصاحبه عمیق، گردآوری و تحلیل شده است. براساس یافته‌ها، تعداد شاغلین و سهم ارزش‌افزوده هنرهای تجسمی در اقتصاد کشور بسیار ناچیز است، اما نرخ سوددهی در این حوزه مثبت و بیش از ۲۲ درصد بوده و هزینه ایجاد یک فرصت شغلی در این بخش نیز کمتر از ۱۵ میلیون تومان برآورد شده است. با توجه به مثبت بودن نرخ‌سود و پایین بودن هزینه ایجاد فرصت‌های شغلی در هنرهای تجسمی، به نظر می‌رسد تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در این حوزه، علاوه بر ایجاد ارزش فرهنگی، منجر به افزایش اشتغال با هزینه کمتر شده و این مزیت نسبی هنرهای تجسمی در ایجاد فرصت‌های شغلی کم‌هزینه است.

طبقه‌بندی JEL: H0, M11
واژگان کلیدی: ایران، بازار هنرهای تجسمی، گالری‌های هنری، ارزش‌افزوده

❁ تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۹/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۲

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

۱. مقدّمه

رشد روز افزون حجم تجارت فرهنگ و هنر به‌واسطه افزایش در عرضه و تقاضای آن در بازارهای جهانی و هم‌چنین ایجاد کسب و کار و اشتغال‌زایی به‌واسطه آن، منجر به افزایش سهم اقتصاد هنر در تولید ناخالص ملی[1] و تولید ناخالص داخلی[2] کشورهای پیشرو در این عرصه شده است.

بر اساس برآوردهای صورت گرفته میزان تولید ناخالص داخلی جهان به‌واسطه صنایع فرهنگی و خلاق بین ۶/۱ تا ۷/۳ درصد است (مورنو[3]، بی‌تا). بررسی ارقام موجود در عرصه فرهنگ و هنر نشان می‌دهد که سهم بالایی از این میزان به آمریکا اختصاص دارد. برطبق گزارش مرکز آمار آمریکا[4]، درآمدهایی که از فروش‌های خارجی این‌فعالیّت‌ها گزارش شده، رقمی ما بین ۲۵ تا ۸۵ میلیارد دلار بوده که در محدوده این بخش تعریف شده است (بامول،۲۰۰۲؛ به نقل از گینزبرگ و تراسبی،۲۰۰۱). آمارهای ارایه شده بیان می‌دارند که، تأثیرات تکنولوژیکی و اقتصادی نه‌تنها بر هنرها اثرگذار است؛ بلکه موجب شده تا هنرها به نقش جدید و گسترده‌ای در اقتصاد جدید دست یابند. هنرها بیش از آن‌که حافظ انحصاری یک گروه ممتاز باشند، در الگوهای مصرفی کل جامعه توسعه یافته‌اند و نقش آن‌ها در تولید ناخالص داخلي و اشتغال آشکار بوده است (همان).

طبق داده‌های مندرج در پایگاه هالیوود ریپورتر[5] (۲۰۱۳)، در فاصله زمانی ۲۰۰۶-۱۹۹۸ سهم تولیدات هنری و صنایع خلاق از تولید ناخالص ملی آمریکا

1. Gross National Product (GNP)
2. GrossDomestic Product (GDP)
3. Alvaro Moreno
4. US Census Bureau
5. www.Hollywoodreporter. com

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

بین ۳/۵ تا ۳/۷ درصد بوده است (پایگاه هالیوود ریپورتر، ۲۰۱۳). از سال ۲۰۰۷ همگام با رکود اقتصاد جهانی، سهم این بخش نیز در اقتصاد کاهش پیدا کرد و این وضعیت تا سال ۲۰۱۱ ادامه یافت. این بخش در سال ۲۰۱۱، موفق به تولید۵۰۴ میلیارد دلار ارزش افزوده به‌واسطه تولیدات فرهنگی و هنری در آمریکا شد که معادل ۳/۲ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور بود[۱] (اداره تحلیل اقتصادی آمریکا و صندوق ملی هنر[۲]، ۲۰۱۳) که با توجه به تولید ناخالص داخلی جهان رقم قابل توجهی است.

از سوی دیگر، بدیهی است که منافع اقتصادی تولیدات فرهنگی و هنری یک کاتالیزور مهم برای گسترش موسسات فرهنگی و توسعه اقتصادی جوامع هستند که گسترش آن وابسته به اشتغالزایی و ایجاد کسب و کار هرچه بیشتر در این حوزه است (زکریا، ۲۰۰۹). در این راستا، اداره تحلیل اقتصادی آمریکا و صندوق ملی هنر (۲۰۱۳)، بیان می‌دارد که در سال ۲۰۱۱ به‌واسطه تولید کالاها و خدمات فرهنگی و هنری، دو میلیون نفر در آمریکا به کار گرفته شدند که رقمی معادل ۲۸۹/۵ میلیارد دلار در جبران خسارت کارکنان (در قالب دستمزد، حقوق و مکمل‌ها) به آنها

۱. طی چند دهه اخیر، خدمات تبلیغاتی، هنرهای نمایشی، فیلم، ویدئو، موسیقی، برنامه‌های تلویزیونی، نرم‌افزارهای کامپیوتری و صنعت نشر، صادرات اصلی آمریکا را تشکیل داده‌اند. در سال ۲۰۱۱، «تبلیغات» با تولید ۲۰۰ میلیارد دلار (معادل۲۰ درصد از تمام کالاهای فرهنگی و هنری)، «آموزش هنر» (از جمله مدارس هنرهای زیبا پس از دوره متوسطه، مدارس هنرهای معاصر و هنرهای نمایشی و مراکز هنرهای نمایشی) با تولید ۱۰۴ میلیارد دلار، «تولید و توزیع تلویزیون کابلی» با تولید صد میلیارد دلار و «کالاها و خدمات فیلم و ویدئو» با تولید ۸۳ میلیارد دلار (از میان کلیه کالاهای فرهنگی و هنری)، با قرارگیری در رتبه‌های اول تا چهارم، نقش مهمی را در ایجاد ارزش‌افزوده بواسطه تولیدات فرهنگی و هنری در آمریکا برعهده داشت که سهم قابل توجهی از اقتصاد این کشور است (اداره تحلیل اقتصادی آمریکا و صندوق ملی هنر، ۲۰۱۳).

2. U.S. Bureau of Economic Analysis (BEA) and National Endowment for the Arts (NEA)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

پرداخت شد. در این بین بزرگترین سهم در ایجاد اشتغال در این حوزه، متعلق به صنعت ویدئو و فیلم‌سازی بود که نزدیک به ۳۱۰ هزار نفر را با صرف هزینه‌ای معادل با ۲۵ میلیارد دلار به‌کار گرفت. پس از آن، موزه‌ها و صنایع مرتبط با هنرهای نمایشی نیز هرکدام با به‌کارگیری حدود صد هزار نفر که به ترتیب شش میلیارد دلار و هشت میلیارد دلار درآمد کسب می‌کردند، بیشترین سهم را داشتند (اداره تحلیل اقتصادی آمریکا و صندوق ملی هنر، ۲۰۱۳).

امروزه پس از گذشت حدود سه دهه از زمان به رسمیت شناخته شدن اقتصاد هنر و فرهنگ[1]، حمایت دولت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی، منجر به رشد بی‌سابقه اقتصاد هنر و [illegible] صنعت موسیقی، صنعت سینما، صنعت بازی‌های رایانه‌ای و . . . در سراسر دنیا شده است. در این راستا درآمدزایی به‌واسطه فروش آثار هنری ناب نیز با تمرکز بر بازار هنرهای تجسمی که تا پیش از این به شکل خصوصی و غیررسمی فعالیت می‌کرد، در اندک زمانی با افزایش بی‌سابقه تعداد حراجی‌های هنری، گالری‌ها، آرتفرها[2]، دوسالانه‌ها[1] و جشنواره‌ها، مورد توجه خاص

---

۱. رکود اقتصاد جهانی در اواخر دهه ۱۹۸۰ موجب تغییر روند و نگرش اقتصاددانان برجسته و بانک جهانی نسبت به فرهنگ و هنر و مناسبات آن با اقتصاد شد. به‌موجب توافق استکهلم درآوریل ۱۹۹۸، فرهنگ از حاشیه سیاستگذاری‌های اقتصادی به مرکز آورده شد و اهمیّت بیشتری در تدوین سیاست‌ها یافت؛ هم‌چنین در نشست فلورانس در اکتبر ۱۹۹۹، بانک جهانی بیان داشت که، فرهنگ مولفه ضروری توسعه اقتصادی است و از این پس نقش قدرتمندی در شکل دادن و مشروط کردن عملیات اقتصادی بانک جهانی بازی خواهد کرد (تراسبی، ۱۳۹۲: ۱۳).

۲. آرتفر (Art Fair) نمایشگاهی عمومی مانند نمایشگاه‌های بین‌المللی، با غرفه‌های فراوان هستند که در آن تجارت و خرید و فروش آثار هنرهای تجسمی رواج دارد. در آرتفرها، دلالان هنری، مشاوران هنری و کیوریتورها به معامله با مجموعه‌داران و موزه‌داران، می‌پردازند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

سرمایه‌داران، کلکسیونرها و حامیان هنری در سراسر دنیا قرار گرفت[۲].

علاوه بر افزایش گردش مالی و توسعه اقتصادی کشورهای پیشرو در این عرصه، ثبت رکوردهای بی‌سابقه به‌ویژه در حوزه تجارت تابلوهای نقاشی، مجسمه و عکس، توانسته موجبات جلب مشارکت دیگر بازارهای جهانی به سرمایه‌گذاری در این حوزه را فراهم آورد. از سوی دیگر، تری هرمان[۳] بنیانگذار و مدیرعامل شرکت آرتپرایس[۴] در مقاله[۵] خود بیان می‌دارد که رشد اقتصادی کشور چین منجر به اصلاح جغرافیایی مرزهای بازار هنر به سمت شرق شده است. آگاهی سیاستمداران چینی از این منبع بزرگ اقتصادی و درآمدزایی، آنها را برآن داشت تا ضمن گسترش بازارهای خود، از بازارهای هنر معاصر در سنگاپور و هنگکنگ نیز حمایت کنند. علاوه بر رشد ۴۹ درصدی درآمد حراجی‌ها

آرتفر بولونیا، آرتفر وین، آرتفر دبی و آرتفر ابوظبي از جمله معروفترین آرتفرها هستند.

۱. «بی‌ینال Biennale (Biennial) [دوسالانه]، کارنمای جهانی هنر معاصر که هر دو سال با اهداف معین و اعطای جوایز خاص برپا می‌شود. بی‌ینال ونیز - نخستین و مشهورترین بی‌ینال- با ادعای معرفی «اصیل‌ترین فعالیت‌های روح نو بدون تفاوتگذاری میان کشورها» در ۱۸۹۵ بنیاد نهاده شد» (پاکباز، ۱۳۹۵: ۳۵۲) .

۲. طی دهه ۱۹۸۰ میلادی با افزایش چشمگیر قیمت آثار هنرمندان، بازار هنرهای تجسمی به شکلی ویژه مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۹۸۴ نقاشی «ویلیام ترنر» به‌نام «فولکستون»، به مبلغ ۹/۴۰۰ میلیون دلار که رقم بی‌سابقه‌ای برای یک تابلو نقاشی محسوب می‌شد، به فروش رفت. یک سال بعد نقاشی «طلوع آفتاب» ونسان ون‌گوگ، نزدیک ده میلیون دلار فروخته شد و تابلوی «در ستایش مـ گی» اثر «آندرئا مانتنیا» به قیمت ۱۰/۴۰۰ میلیون دلار به فروش رفت. در سال ۱۹۸۷، نقاشی «گل‌های آفتابگردان» ون‌گوگ، توسط شرکت بیمه ژاپنی «یاسودا» به مبلغ۳۹/۹۰۰ میلیون دلار خریداری شد و رکورد تازه‌ای برجای گذاشت. این رکورد با فروش ۵۳/۹۰۰ میلیون دلاری نقاشی «زنبق‌ها» اثر ون‌گوگ شکسته شد (گرف، ۱۳۹۳: ۱۷۸-۱۷۷) .

3. Thierry ehrmann
4. Artprice
5. Art Market Trends

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

به‌واسطه خرید و فروش آثار هنری در چین، حمایت‌های این کشور، منجر به رشد درآمدزایی ۲۲ درصدی در سنگاپور، و رشد درآمدزایی ۳۹ درصدی در اندونزی شده است. بنابراین، این بازارهای نوپا، بازار هنر آسیا را به یک هدف بزرگ برای بازارهای هنری جهان تبدیل کرده‌اند. امروزه ۱۲/۱ درصد از آثار فروخته شده در آسیا، بین صد هزار دلار تا یک میلیون دلار به فروش می‌روند، که این معادل ۲/۲ درصد از فروش سراسر جهان است. هم‌چنین کشور چین، به‌عنوان یک قدرت اقتصادی پیشرو در آسیا و رهبر فروش آثار هنری جهان، نه فقط با ظرفیت‌هایی که برای خود فراهم آورده، بازارهای جهانی را شگفت‌زده کرده، بلکه چین با ۷۷۴ حراج و با ثبت رکورد یک میلیون دلار درآمد در سال ۲۰۱۱ (که عمدتا در مزایده‌هایی در پکن و هنگ‌کنگ حاصل شده‌اند)، در مقایسه با ۴۲۶ حراج در آمریکا و ۳۷۷ حراج در بریتانیا، اوّلین بازار جهانی هنرهاست (آرت پرایس[1]، ۲۰۱۱، به نقل از موسائی و طاهرخانی، ۱۳۹۶).

نمایان است که حضور فعّال کشورهای شرقی (مانند چین، ژاپن، هند و کشورهای خاورمیانه) درکنار بازارهای مهم مبادله آثار هنرهای تجسمی (مانند نیویورک، لندن و. . .) موجب درآمدزایی و اشتغال هرچه بیشتر این بخش شده است. درآمدزایی در این حوزه در سال ۲۰۱۲، منجر به ثبت رکورد ۶/۶۴ میلیارد دلاری برای فروش آثار هنرهای تجسمی توسط حراجی‌های کریستیز[2] و ساتبیز[3] سراسر دنیا شد که سهم خاورمیانه از این میزان معادل ۵/۲ میلیون دلار بود (آرت پرایس، ۲۰۱۳).

ایران نیز - بعد از جلب توجه بازارهای جهانی به سمت شرق و منطقه خاورمیانه- با تلاش بخش خصوصی،

1. www.artprice.com
2. Christie's
3. Sotheby's

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

به این عرصه اقتصادی وارد شد. طی دهه ۱۳۸۰، حضور مقتدرانه هنرمندان ایرانی در بازارهای منطقه‌ای، موجب ثبت رکوردهای قابل توجهی شده است. در سال ۲۰۰۸ در چهارمین حراج کریستیز، از میان ۱۵۷ اثر تجسمی‌فروخته‌شده، ۶۸ اثر متعلق به کشور ایران بود. در این بین هم‌چنین هفت اثر از میان ده اثر برتر و گران قیمت، به آثار ایرانی اختصاص داشت[۱]. این حراج با رقمی حدود ۲۰/۱ میلیون دلار، یکی از بالاترین فروش‌های منطقه تا به امروز بوده که سهم ایران از آن تقریباً ۱۲/۴ میلیون دلار و معادل ۶۰ درصد از کل فروش است (جهانبخش،۱۳۹۲). هم‌چنین در بین سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۶ ، رکورد فروش آثار تجسمی ایران بعد از یازده بار حضور در حراجی کریستیز، به مبلغی حدود ۴۱,۵۸۱,۹۵۹ دلار رسید. این میزان معادل ۳۵ درصد از کل فروش این حراج و معادل یک سوم از کل فروش منطقه بود که جایگاه اوّل در منطقه را به ایران اختصاص داد (جهانبخش، ۱۳۹۲). این رکوردها ظرفیت‌های تازه‌ای را برای هنرهای تجسمی ایران به‌وجود آورد که نه‌تنها نظر مساعد مجموعه‌داران داخلی و منطقه‌ای را به خود جلب کرد، بلکه حتی از حمایت مجموعه‌داران آمریکایی و اروپایی نیز بهره‌مند گشت[۲].

روند رو به رشد آثار هنرمندان ایرانی در منطقه، همزمان منجر به رونق بازارهای داخلی شد و بدین‌وسیله جریانات گسترده‌تری از خرید و فروش و معاملات آثار تجسمی در ایران به راه انداخت. اگرچه تا به امروز ایران توانسته درصد بالایی از سهم درآمدزایی منطقه را به خود اختصاص دهد، اما شرایط

۱.گرانترین آثار هنرمندان ایرانی متعلق به پرویز تناولی، حسین زنده‌رودی، محمد احصایی، فرهاد مشیری، فرامرز پیلارام و شیرین نشاط بودند.

۲. طبق آمار سال ۲۰۰۸ خانه حراج کریستیز، ۷۷ درصد از خریداران این حراجی از خاورمیانه و ایران، ۱۷درصد از اروپا و۶ درصد از آمریکا بودند (جهانبخش، ۱۳۹۲).

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

موجود در بازار هنرهای تجسمی ایران حاکی از آن است که، پذیرش هنر و فرهنگ به عنوان یک عامل درآمدزای اقتصادی هنوز آن‌گونه که باید از جانب جامعه ایرانی پذیرفته نشده است. با مروری بر وضعیت کشورهای پیشرو در این حوزه نمایان است که با تمرکز بر این بخش می‌توان به‌واسطه گسترش بازار و مبادلات داخلی و خارجی درآمدهای بالایی را کسب کرد ولیکن این بخش در ایران همچنان در گسترش این بازار پرسود و ایجاد فرصت‌های شغلی[۱] به‌واسطه آن، ناتوان است. از سوی دیگر، دستیابی به بازاری بزرگ و تثبیت شده به‌گونه‌ای که موجب افزایش سهم اقتصاد هنرهای تجسمی در اقتصاد ایران شود، مستلزم ایجاد شرایط مطلوب و زیرساخت‌هایی است که برای سایر بازارهای پررونق و بزرگ جهان فراهم است. بنابراین، بررسی شرایط حاکم بر ساختار بازار هنرهای تجسمی ایران، ضرورت پرداختن به مقوله اقتصاد هنرهای تجسمی در ایران را توجیه می‌کند.

این مطالعه در بخش‌های پیش‌رو، ضمن بیان پیشنه تحقیقات خارجی و داخلی، به بیان یافته‌ها پرداخته که پاسخگوی سوالات این پژوهش هستند. در بخش نتیجه‌گیری نیز جمع‌بندی و تجزیه و تحلیل مختصری از یافته‌ها ارائه شده است.

۱. مقایسه نسبت شاغلان کشور با شاغلان امور هنری نشان می‌دهد که درصد بسیار ناچیزی از شاغلان کشور (کمتر از یک درصد) در حوزه هنر [illegible] حالی است که «کمیت شغلی اشتغال امور هنری می‌تواند از یک سو در گسترش کار و از سوی دیگر با ایجاد رقابت در کیفیت کارها موثر واقع شود» (موسائی، ۱۳۷۹).

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. تحقیقات خارجی

مدرسه امور اروپایی کیا[1]، مدرسه اقتصاد تورکو[2] و اداره کل آموزش و پرورش و فرهنگ[3](۲۰۰۸) در مطالعه‌ای مشترک[4] به بررسی ارزش اقتصادی صنایع خلاق و فرهنگ دراقتصاد اروپا پرداختند. در این پژوهش بیان می‌شود که در مقایسه با دیگر بخش‌های صنعت، صنایع خلاق یکی از مهمترین صنایع در اروپاست و میزان سودآوری آن در اروپا، به‌طور متوسط، ۹ درصد محاسبه شده است. طبق مطالعات انجام شده، در سال ۲۰۰۳ ارزش‌افزوده صنایع خلاق و فرهنگی، بالاترین میزان را در کشورهای فرانسه، نروژ، فنلاند، دانمارک و انگلستان داشته که معادل بیش از سه درصد از تولید ناخالص داخلی این کشورها بوده است.

محاسبات حاصل از مطالعه مذکور، سودآورترین زیرمجموعه‌های صنایع خلاق در سال۲۰۰۳ را فیلم و ویدئو، هنرهای تجسمی و طراحی برمی‌شمارد که این نشان‌دهنده یک رابطه همبستگی مستقیم بین سودآوری صنایع خلاق و سطح تولید زیرمجموعه‌های آن‌هاست. محاسبه تقریبی ارزش‌افزوده ناخالص فرهنگ در انگلستان نشان داد که در سال ۲۰۰۷، مجموع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولت به میزان ۲/۲ میلیارد پوند باعث ایجاد ارزش‌افزوده به میزان ۷/۷ میلیارد پوند در اقتصاد انگلستان[5] شد. در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸، بخش خصوصی بیش از ۵۸ میلیون‌پوند در هنرهای تجسمی سرمایه‌گذاری کرد. به این ترتیب، ارزش‌افزوده ناخالص در موسیقی و هنرهای تجسمی و اجرایی در بریتانیا از۲/۷۰۰ میلیون پوند در سال

1. KEA European Affair
2. Turun Kauppakoreakoulu Turku School of Economics
3. Directorate-General Education and Culture
4. The Value of the Creative Industries & Culture
5. Value Added to national GDP

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

۱۹۹۷ با ۲۶ درصد رشد به ۳/۴۰۰ میلیون پوند در سال ۲۰۰۶ رسید. در این مقاله در کنار ارزش‌آفرینی مستقیم به ارزش‌آفرینی غیرمستقیم در بخش فرهنگ نیز اشاره شده است. شاید بهترین مثال شناخته شده، موزه تیت مدرن[1] لندن باشد که به‌طور تخمینی توانست یک سال پس از بهره‌برداری، صد میلیون پوند سود اقتصادی، و در حدود سه هزار شغل جدید را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم ایجاد کند. تعداد هتل‌ها و کسب و کار کیترینگ در این منطقه ۲۳ درصد نسبت به سال ۱۹۹۷ افزایش یافت، قیمت املاک و میزان سرمایه‌گذاری‌های تجاری در این منطقه (سوسوارک)[2] نسبت به دیگر نقاط در لندن به گونه‌ای سریع‌تر افزایش یافت و پیشرفت‌های تجاری آن به‌طور متوسط از لندن پیشی گرفت. بنابراین، هرگونه عملکرد فرهنگی و خلاق که بتواند موجب بهبود سطح کارایی درکسب و کار شود مانند: تأسیس مراکز فرهنگی-هنری، گردشگری فرهنگی و. . . ، هرکدام به شیوه‌های خود می‌توانند منجر به رشد اقتصاد ملّی به‌واسطه هنر و فرهنگ شوند (مدرسه امور اروپایی کیا و دیگران، ۲۰۰۸).

پیتر پدرونی[3] و استفن شپرد[4] (۲۰۱۳)، در این مقاله[5] به دنبال پاسخگویی به این سئوال هستند که آیا رابطه‌ای بین تولید فرهنگ و هنر محلی، و رونق اقتصادی محلی به شکلی دائم و نه زودگذر وجود دارد؟ آیا تولید هنر و فرهنگ موجب رشد اقتصادی می‌شود و یا دارای یک اثر موقتی فزاینده است که در طول زمان کاهش می‌یابد؟ تجزیه و تحلیل‌ها در این پژوهش نشان می‌دهد که تأثیر تولید هنر و فرهنگ گذرا نیست. در دسترس بودن امکانات فرهنگی،

1 . Tate Modern
2. Southwark
3. Peter Pedroni
4. Stephen Sheppard
5. Culture Shocks and Consequences: the causal link between the arts and economic growth

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

می‌تواند برای افزایش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه، و در نتیجه افزایش کل درآمد در اقتصاد مؤثر باشد. شوک‌های وارده بر هنرهای محلی و تولید محصولات فرهنگی اثراتی ایجاد می‌کند که اقتصاد محلی را اصلاح کرده و حالت ثابت تولید ناخالص داخلی را تغییر می‌دهد. بنابراین، تولید هنر و فرهنگ یک بخش مهم اقتصادی، به‌واسطه به‌کارگیری تعداد زیادی از کارکنان، گسترش مقدار زیادی خروجی اقتصادی و درآمدهای صادراتی است.

مرکز اقتصاد و تحقیقات کسب‌وکار سِبر (cebr, 2013)[1]، بنا بر درخواست شورای هنر انگلستان[2] و شورای مدیران موزه ملّی[3]، در پژوهشی جامع[4] به مطالعه سهم هنر و فرهنگ در اقتصاد ملّی انگلیس در مقایسه با اقتصاد منطقه‌ای بریتانیا پرداخته است. در این پژوهش که از هر دو روش کیفی و کمّی بهره برده است، داده‌های کمّی (برگرفته از دفتر آمار ملّی[5]) و داده‌های کیفی (حاصل از نظر سنجی‌ها و مصاحبه‌ها)، به تجزیه و تحلیل این سهم در اقتصاد ملّی پرداخته‌اند. این مطالعه بیان می‌دارد که کسب و کار هنر و فرهنگ در انگلیس، باعث تولید حدود ۱۲/۴ میلیارد پوند گردش مالی درسال ۲۰۱۱ شده است. هم‌چنین سهم اقتصاد هنر و فرهنگ در ارزش ناخالص افزوده[6] بریتانیا در سال ۲۰۱۱، رقمی معادل ۵۹ میلیارد پوند تخمین زده شد که از این میزان، ۲۱درصد به آفرینش‌های هنری تعلق داشت. بنابراین، بخش هنر و فرهنگ حدود ۰/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی بریتانیا و ۰/۴ درصد ارزش ناخالص افزوده انگلستان را تشکیل می‌دهد. هم‌چنین این بخش در فاصله سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۸ به‌طور متوسط ۱۱۰۶۰۰ نفر

1. Centre for Economics and Business Research Ltd / www.cebr.com
2. Arts Council England
3. National Museums Directors' Council
4. The contribution of the arts and culture to the national economy
5. Office for National Statistics (ONS)
6. GrossValue Added (GVA)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

را در بریتانیا و ۹۹۵۰۰ نفر را در انگلستان به‌صورت تمام وقت به کارگمارده است. این آمار نشان دهنده ۰/۴۵ درصد از کل اشتغال در بریتانیا و ۰/۴۸ درصد اشتغال انگلستان است (سبر،۲۰۱۳).

۲-۲. پیشینه تحقیقات ایرانی

میثم موسائی (۱۳۷۹) در یک پژوهش[۱] ضمن بررسی اقتصادی سایر بخش‌های فرهنگ و هنر در ایران، در فصل هنرهای تجسمی به بررسی وضعیت هنرهای تجسمی در ایران پرداخته است.

این مطالعه کلان که با هدف بررسی سهم اقتصاد هنرهای تجسمی در تولید ناخالص داخلی صورت گرفته، علاوه بر بیان شرایط تاریخی هنرهای تجسمی در سال‌های قبل و بعد از انقلاب، از سوی دیگر با کمک مطالعات میدانی، هزینه فایده حداقل۱۰ مورد از گالری‌های فعّال کشور را به‌منظور اندازه‌گیری سهم اقتصاد هنرهای تجسمی در اقتصاد ملّی، مورد بررسی قرار داده است. داده‌های به‌دست آمده از این مطالعات نشان می‌دهد که با فرض این که همه گالری‌ها از ساختار و از نسبت مشابهی برخوردار باشند، در سال۱۳۹۰، به طور متوسط هرگالری ماهانه حدود ۵ میلیون تومان و سالانه حدود۶۰ میلیون تومان، درآمد (فروش) داشته است. از آنجا که در این سال تعداد ۳۵۵ گالری در کشور فعّال بوده‌اند، در نتیجه میزان فروش‌کل گالری‌های کشور برابر با ۲۱/۳ میلیارد تومان است. این میزان، سهم ناچیز اقتصاد هنرهای تجسمی به نسبت تولید ناخالص ملّی کل کشور به قیمت ثابت (که بر طبق برآورد مرکز آمار نزدیک ۶۰۰ هزار میلیارد تومان است) را نشان می‌دهد. در آخر محقق به‌منظور افزایش این سهم به ارایه دو راهکار پرداخته است:

---

۱. اقتصاد فرهنگ ایران

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

۱- توسعه بازارهای داخلی ۲- صدور محصولات هنرهای تجسمی (موسائی، ۱۳۹۲).

علی تکفلاح (۱۳۹۱)، در مقاله[۱] خود به نقش و اهمیت صنایع فرهنگی در اقتصاد پرداخته و موانع توسعه صنایع فرهنگی را بررسی کرده است. این مطالعه سه دسته از موانع را پیش‌روی توسعه اقتصاد فرهنگ می‌داند: موانع و چالش‌های اقتصادی که با گسترش کیفي و کمّي محصولات صنایع فرهنگی در جهان، رقابت برای تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان محصولات و خدمات فرهنگی در ایران را با دشواری همراه کرده است؛ موانع و چالش‌های فرهنگی که به دلیل ماهیت نرم صنایع فرهنگی، عموماً در پس‌زمینه صنایع سخت دیده می‌شود؛ و چالش‌های حقوقی که به صورت قاچاق محصولات فرهنگي، نادیده گرفتن حق پدیدآورنده، سرقت علمی و. . . پدیدار می‌شوند. محقق در این پژوهش، صنایع فرهنگي را از ابزارهاي مهم توسعه به‌شمار مي‌آورد که مهمترین اثر خود را از طریق افزایش اشتغال در جامعه بر جای می‌گذارد. رفع این موانع به‌واسطه ملزومات مدیریتی، توسعه نیروی انسانی، توسعه زیرساخت‌ها، افزایش در تحصیلات و مهارت‌ها، افزایش تولید واحدهای موجود و بهبود کیفیت محصولات تولیدي، ضمن ایجاد اشتغال، موجب تسهیل سرمایه‌گذاری و رشد تولید ملّی می‌شوند (تکفلاح، ۱۳۹۱).

بررسی پیشینه موضوع نشان می‌دهد که اگرچه ادبیات جالب توجهی در باره نقش و سهم اقتصاد هنر و فرهنگ در تولید ناخالص داخلی سایر کشورها تولید شده، اما سهم ایران از این ادبیات بسیار ناچیز است. از میان این اندک مقالات داخلی ارایه شده نیز تعداد کمتری از آن‌ها از استاندارد و کیفیت لازم برخوردار هستند که به آن‌ها اشاره شده است.

---

۱. نقش صنایع فرهنگی در رونق تولید ملّی از بعد اشتغال‌زایی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

۳. روش‌تحقیق

روش بررسی در این مطالعه، تحلیلی- توصیفی بوده و با توجه به محدودیت‌های دسترسی به داده‌هایی درباره چگونگی درآمدزایی گالری‌ها در شهرستان‌ها و هم‌چنین با توجه به عدم همکاری آنان در پاسخگویی به سئوالات مندرج در پرسشنامه کمّی، گالری‌های مورد بررسی از تهران انتخاب شده‌اند. بر این اساس، تعداد ۵۰ گالری با سه سطح متفاوتِ فروش و درآمدزایی، انتخاب شد که پس از مراجعات مکرر، اطلاعات مالی ۱۰ گالری در شهر تهران در سال ۱۳۹۲ گردآوری و با فرض همگن بودن همه گالری‌ها در کشور، نتایج حاصل از بررسی این گالری‌ها، به ۲۷۷ گالری فعّال در کشور تعمیم داده شد.

متأسفانه در ایران آمار و اطلاعات مالی مرتبط با تجارت و خرید و فروش تولیدات هنرهای تجسمی گردآوری و منتشر نمی‌شود. از سوی دیگر برخی از بازیگران این صنعت به‌ویژه دلالان عمده، به‌سبب ترس از اعمال مالیات و یا محق جلوه‌دادن خود برای بهره‌مندی از یارانه‌ها، اطلاعات مالی مربوط به فروش و میزان سود خود را به صورت غیرواقعی اظهار می‌کنند. بنابراین، در این مطالعه به‌سبب وجود محدودیت‌هایی همچون: خلأ مطالعات پیشین و امتناع گالری‌داران از ارائه داده‌های مالی واقعی، ارقام مرتبط با فروش‌کل (درآمد) در گالری‌ها محدود به فروش‌های حاصل از برپایی نمایشگاه‌ها بوده و ارقام مرتبط با فروش‌های غیرنمایشگاهی و یا به گفته یکی از گالری‌داران «فروش‌های پشت‌پرده» که درصد بالایی از درآمدزایی گالری‌ها را به خود اختصاص داده است، در آن لحاظ نشده است. این در حالی است که در سال‌های اخیر پس از تأیید آثار هنرمندان ایرانی در بازارهای جهانی، فروش‌های پشت‌پرده یا فروش پنهان که به‌واسطه اینترنت و یا از طریق دلالی و ایجاد ارتباط با سایر مجموعه‌داران و خریداران سراسر جهان صورت می‌گیرد، رواج بسیاری در میان

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

گالری‌داران، نمایشگاه‌گردان‌ها و دلالان یافته و سودهای بسیاری را عاید آن‌ها می‌کند. امروزه حتی هنرمندان نیز به‌واسطه فروش‌های اینترنتی، امکانات جدیدی را در جهت فروش آثارشان به‌دست آورده‌اند که هر چه بیشتر بر حجم معاملات غیررسمی در این بخش می‌افزاید. از سوی دیگر، حضور دراکسپوها، آرت‌فرها، حراجی‌ها و نمایشگاه‌ها نیز به نوبه خود گالری‌داران را (به عنوان حامیان هنرمندان وآثارشان) در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی منتفع می‌کند که هیچ یک از این موارد به دلیل عدم ارایه داده‌های مبتنی بر واقعیت در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. لیکن در این پژوهش تمرکز ما صرفاً بر روی فروش‌های نمایشگاهی و هزینه‌ها در گالری‌ها بوده که می‌تواند تخمینی از ارزش‌افزوده[1] در درون این بخش باشد.

۴. یافته‌ها: هزینه‌ها، درآمدها، اشتغال و سودآوری

هنرهای تجسمی طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های هنری را شامل می‌شود که بازیگران و عاملان اقتصادی متعددی از جمله، هنرمندان، گالری‌داران، حراج‌گزاران، مجموعه‌داران، دلالان هنری، کیوریتورها و خریداران نهایی[2] در آن مشغول به فعالیت هستند. در این میان گالری‌داران به‌عنوان دارنده بزرگترین بازار دائمی هنرهای تجسمی، مهمترین بازیگران این صنعت محسوب می‌شوند و بیشترین ارزش‌افزوده و اشتغال این بخش را ایجاد می‌کنند و منعکس‌کننده عملکرد سایر بازیگران‌اند.

---

۱. چون ارزش‌فروش کالاهای هنری بسیار بیشتر از هزینه‌های واسطه‌ای است می‌توان مسامحتا ارزش فروش را به‌عنوان ارزش‌افزوده تلقی کرد؛ بر همین اساس در این مقاله به جای ارزش‌افزوده از ارزش‌فروش استفاده کرده‌ایم.

۲. از لحاظ اقتصادی هنرمندان به‌عنوان تولیدکننده، خریداران نهایی به‌عنوان مصرف‌کننده، و سایر بازیگران به‌عنوان توزیع‌کننده محسوب می‌شوند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

باتوجه به مطالب پیش‌گفته، در این مطالعه وضعیت اقتصادی گالری‌های هنری، (با تکیه بر بررسی ۱۰ گالری هنری فعال در تهران) به عنوان یک تخمین نسبتاً مناسب از وضعیت توجه است. هزینه‌ها، درآمد (فروش)، میزان سود، تعداد شاغلان، هزینه ایجاد فرصت شغلی و ارزش‌افزوده از جمله متغییرهایی هستند که برای انعکاس وضعیت اقتصادی این صنعت در سال ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج این بررسی‌ها در جدول‌های شماره ۱ تا ۳ آمده است[۱].

جدول ۱. کل هزینه‌های سالانه گالری‌ها (به میلیون تومان)

گالری‌ها	هزینه‌های گالری‌ها (سالانه) (میلیون تومان)								کل هزینهٔ سالانه گالری‌ها (میلیون تومان)
	هزینه‌های پرسنلی	هزینه‌های غیرپرسنلی						هزینه دستمزد هنرمندان	
	حقوق کارکنان	اجاره‌بها ملک	هزینه‌های جاری (برق، تلفن، ...)	تبلیغات	حمل و نقل	پذیرایی و ...	هزینه تعمیرات و نگه‌داری		
گالری الف	۷/۷۲۲	۹۰	۴/۸	۴	۲/۶	۴/۵	۲	۳۰۰/۵۹۴	۹۲۲/۷۰۹
گالری ب	۱۷/۰۸۰	۲۴	۴/۲	۷	۷/۵	۳	۳/۵	۲۸۲	۲۸۰/۳۴۸
گالری پ	۴۵/۶۰۰	۵۴	۴	۴	۲	۳	۳	۲۷۹/۶	۳۹۵/۲
گالری ت	۷/۷۲۲	۲۶	۲	۲۷۸/۱	....	....	۱	۱۱۸/۷۲	۱۵۶/۷۲
گالری ث	۱۷/۰۸۰	۴۰	۵/۵	۳	۲	۲/۴	۳	۳۶۶	۹۸۰/۴۳۸
گالری چ	۱۰/۶۰۸	۴/۲۰	۲/۵	۳	....	۱/۹	۱	۹۰۰/۱۲۰	۳۰۸/۱۶۰
گالری چ	۲۱/۸۴۰	۴۵	۴	۴	۳	....	۱/۵	۱۷۱	۳۴۰/۲۵۰
گالری ح	۷/۷۲۲	۲۴	۲/۶	....	....	۳	۱	۸۸/۹۶۸	۲۹۰/۱۲۷

۱. در این مقاله به دلیل عدم تمایل گالری‌داران و هم‌چنین به دلیل حفظ حریم خصوصی گالری‌ها، از ذکر نام آن‌ها خودداری شده و گالری‌ها با حروف الفبا نام‌گذاری شده‌اند.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

گالری خ	۷/۷۲۲	۳۰	۳	۲/۵	۲	۳	۱/۵	۱۳۵/۶	/۳۲۲ ۱۸۵
گالری د	۲۱	/۴ ۳۸	۲/۶	۳	۱/۵	۱/۲	.....	۲۰۴	/۷۰۰ ۲۷۱
کل	/۰۹۶ ۱۶۴	/۸ ۳۹۱	/۲ ۳۵	/۷۷۸ ۳۱	/۶ ۲۰	۲۲	/۵ ۱۷	/۰۸۸ ۲۳۶۱	/۰۶۲ ۳۰۴۴
متوسط	/۴۰۹۶ ۱۶	/۱۸ ۳۹	/۵۲ ۳	۳/۵۳	/۹۴ ۲	/۷۵ ۲	/۹۵ ۱	/۱۰۸۸ ۲۳۶	/۴۰۶۲ ۳۰۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

همان‌طوری که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود:

- متوسط هزینه حقوق کارمندان در یک گالری سالانه معادل ۱۶/۴۰۹۶ میلیون تومان برآورد شده است.
- متوسط هزینه اجاره‌بها ملک در یک گالری سالانه معادل ۳۹/۱۸ میلیون تومان برآورد شده است.
- متوسط هزینه‌های جاری (آب، برق، تلفن و. . .) در یک گالری سالانه معادل ۳/۵۲ میلیون تومان برآورد شده است.
- متوسط هزینه تبلیغات در یک گالری سالانه معادل ۳/۵۳ میلیون تومان برآورد شده است.
- متوسط هزینه حمل و نقل در یک گالری سالانه معادل ۲/۹۴ میلیون تومان برآورد شده است.
- متوسط هزینه پذیرایی در یک گالری سالانه معادل ۲/۷۵ میلیون تومان برآورد شده است.
- متوسط هزینه سالانه تعمیرات و نگه‌داری گالری معادل ۱/۹۵ میلیون تومان برآورد شده است.
- متوسط هزینه سالانه دستمزد هنرمندان در یک گالری معادل ۲۳۶/۱۰۸۸ میلیون تومان برآورد شده که بالاترین درصد هزینه‌ها را به خود تخصیص داده است.
- متوسط هزینه‌های سالانه یک گالری معادل ۳۰۴/۴۰۶۲ میلیون تومان برآورد شده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

جدول ۲. برآورد درآمد، هزینه، سود و تعداد شاغلین در گالری‌ها (به میلیون تومان)

گالری‌ها	فروش کل (درآمد)	هزینه کل	سهم گالری (سود)	نسبت هزینه به درآمد (درصد)	نرخ سود (درصد)	تعداد شاغلین در گالری (نفر)	تعداد هنرمندان شاغل در هر گالری (نفر)
گالری الف	۵۰۰/۹۹۰	۹۲۲/۷۰۹	۵۷۸/۲۸۰	۷۱/۶۷	۳۳/۲۸	۲	۲۹
گالری ب	۴۷۰	۲۸۰/۳۴۸	۷۲۰/۱۲۱	۷۴/۱۰	۹۰/۲۵	۴	۳۲
گالری پ	۴۶۶	۳۹۵/۲	۷۰/۸	۸۴/۸۰	۲/۱۵	۶	۲۵
گالری ت	۱۶۹/۶	۱۵۶/۷۲	۹/۱۲	۹۲/۴۰	۷/۶	۲	۱۵
گالری ث	۶۱۰	۹۸۰/۴۳۸	۰۲۰/۱۷۱	۷۱/۹۶	۰۴/۲۸	۳	۲۰
گالری چ	۶۰۰/۱۹۴	۳۰۸/۱۶۰	۳۴/۲۹۲	۸۲/۳۸	۶۲/۱۷	۳	۲۰
گالری چ	۲۸۵	۳۴۰/۲۵۰	۳۴/۶۶۰	۸۷/۸۴	۱۶/۱۲	۳	۲۰
گالری ح	۲۸۰/۱۶۱	۲۹۰/۱۲۷	۳۳/۹۹۰	۷۸/۹۲	۰۷/۲۱	۳	۲۰
گالری خ	۲۲۶	۳۲۲/۱۸۵	۴۰/۶۷۸	۸۲	۱۸	۲	۳۲
گالری د	۳۴۰	۷۰۰/۲۷۱	۶۸/۳۰۰	۷۹/۹۱	۰۹/۲۰	۳	۲۱
کل	۹۸/۳۹۱۲	۰۶۲/۳۰۴۴	۹۱۸/۸۶۸	۷۷/۸۰	۲۰/۲۲	۳۱	۲۳۴
متوسط گالری‌ها	۲۹۸/۳۹۱	۴۰۶۲/۳۰۴	۸۹۱۸/۸۶	۷۷/۸۰	۲۰/۲۲	۳	۲۴

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

گالری‌ها	فروش‌کل (درآمد)	هزینه‌کل	سهم‌گالری (سود)	نسبت هزینه به درآمد (درصد)	نرخ سود (درصد)	تعداد شاغلین در گالری (نفر)	تعداد هنرمندان شاغل در هر گالری (نفر)
							۲۷

مأخذ: نتایج تحقیق

همان‌طوری که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود:

- متوسطِ فروش‌کل (درآمد) هر گالری سالانه معادل ۳۹۱/۲۹۸ میلیون تومان برآورد شده است.
- متوسطِ هزینه کل صرف شده در هرگالری سالانه معادل ۳۰۴/۴۰۶۲ میلیون تومان برآورد شده که حدود۷۷/۸ درصد از درآمد گالری‌هاست.
- با توجه به برآورد متوسطِ فروش‌کل (درآمد) و متوسطِ هزینه کل در هرگالری، به‌طور متوسط سوددهی هرگالری سالانه مبلغ ۸۶/۸۹۱۸ میلیون تومان برآورد شده است که نرخ آن ۲۲/۲ درصد است.
- متوسطِ اشتغال در هر گالری، به‌واسطه حقوق‌بگیران ۳ نفر، و به‌واسطه هنرمندانی که بدین‌وسیله کسب درآمد می‌کنند ۲۴ نفر است. بر این اساس به‌طور متوسط در هر گالری حدود ۲۷ نفر مشغول به کار هستند.
- در مجموع برمبنای محاسبات صورت گرفته در جدول شماره ۲، متوسطِ سود یک گالری به صورت ماهانه رقمی حدود ۷/۲ میلیون تومان در سال ۱۳۹۲ برآورد شده است. این در حالی است که، میزان سودآوری گالری‌هایِ مورد بررسی (گالری‌های الف تا دال) که در سه سطح متفاوتِ فروش و درآمدزایی (بالا، متوسط، پایین) هستند، در محدوده ۱/۱ میلیون تا

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

۲۳/۳ میلیون تومان در ماه در نوسان هستند. بر این اساس، اگرچه ممکن است این میزان از سودآوری برای گالری‌های فعّال در شهرستان‌ها غیرقابل دسترسی باشد، اما از سوی دیگر این میزان سودآوری برای بسیاری از گالری‌های فعّال در تهران، رقمی ناچیز و غیرقابل قبول است. مواردی متعددی وجود داردکه نشان می‌دهند درآمد تعداد زیادی از گالری‌های تهران بسیار کمتر از حد برآورد شده‌اند. از جمله این‌که: ترس از تخصیص مالیات منجر شده تا گالری‌ها، میزان فروش‌کل (درآمد) واقعی خود را پنهان کنند. هم‌چنین همان‌طور که گفته شد، فروش‌های غیررسمی و پنهان (فروش‌های اینترنتی، و معامله و مبادله آثار هنرهای تجسمی با سایر مجموعه‌داران وگالری‌داران داخلی و خارجی) که درصد بالایی از درآمدهای این گالری‌ها را به خود تخصیص می‌دهند، در این محاسبات برآورد نشده‌اند.

۵. تخمین ارزش‌افزوده، درصد سود و اشتغال‌زایی در هنرهای تجسمی

در این بخش، با فرض همگن بودن ساختار و ظرفیت گالری‌ها، ارزش‌افزوده، متوسط نرخ سود، تعداد شاغلان و هزینه ایجاد فرصت‌های شغلی تخمین زده می‌شود. اگرچه روشن است که گالری‌ها در سطح کشور از شرایط یکسانی برخوردار نیستند، اما برای کاهش درصد خطا در این محاسبات، علاوه بر انتخاب گالری‌هایی با ظرفیت‌های متفاوت، به دلایل زیر این تخمین از توجیه لازم نیز برخوردار است. اول: به استناد جوازهای صادر شده از مرکز هنرهای تجسمی، تعداد ۱۶۰ گالری از ۲۷۷ گالری فعّال در کشور در تهران دایر هستند که این امر چگونگی تعمیم داده‌های حاصل از ۱۰ گالری فعّال در تهران به گالری‌های کل کشور را تا حدود زیادی توجیه می‌کند. دوم: داده‌های آماری جمع‌آوری شده به‌واسطه گالری‌های تهران، ناشی از بررسی عملکرد گالری‌ها در سه سطح متفاوتِ درآمدزایی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

(بالا، متوسط و پائین) بوده است. سوم: تعداد گالری‌های فعّال و پردرآمد در شهرستان‌ها (به‌ویژه در شهرهایی همچون مشهد، اصفهان، شیراز و...) در سال‌های اخیر به‌وضوح افزایش یافته به‌گونه‌ای که قدرت رقابت با بسیاری از گالری‌های قدرتمند در تهران را دارند. چهارم: گالری‌ها در شهرستان‌ها به‌واسطه برپایی هر نمایشگاه (بطور متوسط ۳ نمایشگاه در طول یک ماه برگزار می‌شود) در سال ۱۳۹۲ مبلغی (مابین ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان) را به‌عنوان ورودی دریافت می‌کنند که درآمد پایین آنها نسبت به گالری‌های تهران را تا حدودی جبران می‌کند.

حال با فرض اینکه تمامی گالری‌ها در ایران به‌طور متوسط از ساختار و عملکرد اقتصادیِ مشابه ده‌گالری مورد بررسی برخوردار باشند، ما با توجه به داده‌های آماری به‌دست آمده از جدول شماره۲، به برآورد تخمینی از فروش‌کل (درآمد)، هزینه کل و سوددهی گالری‌های کل کشور و هم‌چنین میزان اشتغالزایی و متوسط هزینه ایجاد شغل در آن‌ها می‌پردازیم.

جدول ۳. برآورد فروش‌کل، هزینه‌کل، سود و اشتغالزایی‌گالری‌های کل کشور (تومان)

تعداد گالری‌ها	فروش‌کل گالری‌ها (درآمد)	هزینه کل گالری‌ها	سهم گالری‌ها (سود)	تعداد شاغلین	متوسط هزینه ایجاد شغل
۲۷۷	,۳۸۹,۵۴۶,۰۰۰ ۱۰۸	,۳۲۰,۵۱۷,۴۰۰ ۸۴	,۰۶۹,۰۲۸,۶۰۰ ۲۴	۷۴۷۹	,۵۰۰,۰۰۰ ۱۴

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همان‌طوری که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود:

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

- مجموع درآمد گالری‌های کل کشور معادل ۱۰۸,۳۸۹,۵۴۶,۰۰۰ تومان است. این میزان معادل ارزش‌افزوده کل گالری‌هاست که با توجه به تولید ناخالص داخلی کشور[۱] در سال مورد بررسی، سهم گالری‌های کشور حدود پنج صدم درصد است.
- مجموع هزینه‌های گالری‌های کل کشور معادل ۸۴,۳۲۰,۵۱۷,۴۰۰ تومان است که معادل ۷۷/۸ درصد درآمد (فروش) است.
- مجموع سود گالری‌های کشور معادل ۲۴,۰۶۹,۰۲۸,۶۰۰ تومان است که معادل ۲۲/۲ درصد سود سالیانه گالری‌هاست.
- تعداد ۷۴۷۹ نفر (شامل کارکنان و هنرمندان) به‌طور مستقیم در گالری‌های کشور مشغول به فعالیّت هستند.
- هزینه ایجاد یک فرصت شغلی در حوزه هنرهای تجسمی، کمتر از ۱۵ میلیون تومان است.

۶. نتیجه‌گیری

این مطالعه درصدد پاسخگویی به چهار سئوال زیر بوده است:

- ارزش‌افزوده هنرهای تجسمی در ایران چه مقدار است؟
- تعداد شاغلین مستقیم هنرهای تجسمی چه میزان است؟
- هزینه ایجاد یک فرصت شغلی در این بخش چه مقدار است؟

---

۱. به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، در گزارش تحولات اقتصادی ایران در بخش واقعی سال ۱۳۹۲، برآوردهای اولیه و مقدماتی تولید ناخالص داخلی کشور به قیمت پایه و قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۳، معادل ۱۹۷۲۸۵۳ میلیارد ﷼ در سال ۱۳۹۲ برآورد شده است (پایگاه بانک مرکزی، ۲۱مرداد۱۳۹۳).

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

- آیا این بخش از لحاظ اقتصادی سودآور است؟ اگر پاسخ مثبت است، متوسط نرخ سود سالیانه چند درصد است؟

در این مطالعه به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش توصیفی- تحلیلی استفاده شده و هم‌چنین برای دسترسی به این داده‌ها، علاوه بر مطالعه منابع موجود، اطلاعات۱۰ گالری از میان ۵۰ گالری مورد بررسی در تهران، از طریق مصاحبه عمیق گردآوری و تحلیل شده است.

بر این اساس، یافته‌ها نشان داد که حدود ۷۵۰۰ نفر (به‌طور مستقیم) در گالری‌های کل کشور مشغول به کار هستند که البته با توجه به تعداد شاغلین در کشور کمتر از سه صدم درصد از کل شاغلین کشور است.

هزینه ایجاد هر فرصت شغلی در حوزه هنرهای تجسمی معادل ۱۴/۵ میلیون تومان است که در مقایسه با اغلب صنایع داخلی بسیار کم بوده و در واقع می‌توان گفت که مزیت نسبی این بخش محسوب می‌شود. می‌توان از ظرفیت‌های این بخش و سایر بخش‌های فرهنگی برای ایجاد اشتغال و مقابله با بیکاری گسترده‌ای که دامنگیر اقتصاد کشور شده است استفاده کرد.

سوددهی گالری‌ها در کشور مثبت ارزیابی شده است. با توجه به گالری‌های مورد بررسی، متوسط سوددهی یک گالری معادل ۸۶/۸۹۱۸ میلیون تومان برآورد شده که در مقایسه با برخی از صنایع که با زیان همراه هستند، دست‌آورد مهمی برای اقتصاد ایران محسوب می‌شود. نرخ سود در گالری‌های مورد مطالعه برابر با ۲۲/۲ درصد محاسبه شده که سود قابل توجهی است و بیشتر از نرخ تورم و سودهای بانکی است. این امرگویای سودآور بودن این بخش به لحاظ اقتصادی است.

هم‌چنین داده‌ها نشان داد که مجموع درآمد گالری‌های کل کشور معادل۱۰۸,۳۸۹,۵۴۶,۰۰۰ تومان است. این میزان معادل ارزش‌افزوده کل گالری‌هاست که با توجه به تولید ناخالص داخلی کشور در سال مورد

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

بررسی، سهم گالری‌های کشور حدود پنج صدم درصد برآورد شده که بسیار ناچیز است.

در این راستا، این نکته قابل توجه است که میزان سهم ارزش‌افزوده اقتصادی یکی از زیربخش‌های هنرهای تجسمی به‌تنهایی نمی‌تواند بیانگر نقش قابل قبول اقتصادی این زیربخش‌ها در کل اقتصاد باشد. در این رابطه دو نکته قابل توجه است:

یکی اینکه این ارزش‌افزوده چگونه توزیع می‌شود؟ که در پاسخ باید گفت: این صنعت، به‌دلیل کاربر بودن و پایین بودن هزینه ایجاد فرصت‌های شغلی باعث توزیع متعادل‌تر درآمد می‌شود. درواقع، براساس مطالعات تجربی صورت گرفته، جریان توزیع درآمد در صنایعی که کاربر هستند عادلانه‌تر از سایر بخش‌های اقتصادی است و در عمل نیز سهم نیروی کار از ارزش‌افزوده در مقایسه با سهم سرمایه افزایش می‌یابد. بر این اساس، به احتمال زیاد تلاش برای توسعه بازار محصولات هنری (در مقایسه با صنایع دیگر مخصوصاً صنایع سنگین) به توزیع عادلانه‌تر درآمد کمک می‌کند.

دوم اینکه آیا برای ارزیابی این بخش باید صرفاً به ارزش اقتصادی اکتفا شود؟ یا به‌دلیل ماهیت محصول تولیدشده باید ارزش‌های اجتماعی و سهم این محصول در رشد اخلاق عمومی و ارتقای فرهنگ و هنر را لحاظ نمود؟ که در پاسخ می‌توان گفت: محصول مورد مطالعه، علاوه بر ارزش اقتصادی مستقیم، ذاتاً دارای آثار جانبی مثبت فراوانی است که به‌طور غیرمستقیم تأثیر مثبتی بر بالابردن ارزش‌افزوده سایر بخش‌ها دارد. قابل توجه است که این تأثیر در طول زمان، توسط مبدأ آن مجدداً تولید و در فرایند انتقال بازتولید می‌شود که در این مقاله به‌دلیل محدودیت، این آثار جانبی مثبت محاسبه نشده‌اند.

نتیجه کلی حاصل از مطالعه اشتغال، سودآوری و ارزش‌افزوده هنرهای تجسمی نشان می‌دهد که سهم این بخش در تولید ناخالص داخلی و اشتغالزایی بسیار اندک است؛ ولیکن با توجه به مثبت بودن نرخ سود و

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

پایین بودن هزینه ایجاد فرصت‌های شغلی در حوزه هنرهای تجسمی، به نظر می‌رسد تشویق بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در این حوزه، می‌تواند علاوه بر ایجاد ارزش فرهنگی، باعث افزایش اشتغال و کاهش نرخ بیکاری شود. در این راستا، دولت می‌تواند با ایجاد زیرساخت‌های مورد نیاز و با استفاده از ابزارهای خود از جمله اعطای یارانه‌ها، تخفیف مالیاتی و وضع مقررات و قوانین حقوقی، شرایط حضور هر چه بیشتر بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری در هنرهای تجسمی را فراهم آورد.

منابع

پاکباز، روئین (۱۳۹۵)، *دایرة المعارف هنر*، (چاپ اول). تهران: نشر فرهنگ معاصر.

پایگاه اینترنتی بانک مرکزی (۱۳۹۳)، *تولید ناخالص داخلی*، برگرفته از http://www. cbi. ir.

تراسبی، دیوید (۲۰۰۱)، *اقتصاد و فرهنگ*، ترجمه: کاظم فرهادی (چاپ ششم: ۱۳۹۲)، تهران: نشرنی.

تکفلاح، علی (۱۳۹۱)، *نقش صنایع فرهنگی در رونق تولید ملّی از بعد اشتغالزایی*، دانشگاه جامع علمی کاربردی، سازمان تبلیغات اسلامی.

جهانبخش، زهرا و آلن کمن (۱۳۹۲)، "مارکت هنر ایران و مصر"، *مجله هنر فردا*، صص ۱۵۸-۱۵۵.

گرف، خاویر (۲۰۰۲)، هنر و هنرمندان از دیدگاه اقتصادی، ترجمه داود حیدری و علی هاشمی‌گیلانی (چاپ اول، ۱۳۹۳)، تهران: نشرنظر.

گینزبرگ، ویکتور و دیوید تراسبی (۲۰۰۶)، *اقتصاد هنر*، ترجمه: محمدرضا مریدی، مریم لاوی، معصومه تقی‌زادگان، زهرا شریعتی‌فر (چاپ اول، ۱۳۹۵)، مشهد: انتشارات بدخشان با حمایت حوزه هنری خراسان رضوی.

موسائی، میثم (۱۳۷۹)، *اقتصاد فرهنگ: بررسی اقتصادی بخش‌های مختلف فرهنگی*، (چاپ اول)، تهران: نشر آن.

موسائی، میثم (۱۳۹۲)، اقتصاد فرهنگ ایران، شورای عالی انقلاب فرهنگی، چاپ نشده.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

موسائی، میثم و سیما طاهرخانی (۱۳۹۶)، *بازار گالری‌های هنری در ایران*، تهران: نشر نور علم.

Centre for Economics and Business Research Ltd (cebr) (2013), "The Contribution of the Arts and Culture to the National Economy", Retrieved from https://cebr. com.

KEA European Affair, Turku School of Economics, MKW for the European Commission and Directorate-General Education and Culture. (2007/2008), "Economy of Culture in Europe, The Value of the Creative Industries & Culture" , *Journal of Private Investment in Culture*. pp. 69-96.

Moreno, Álvaro,**"**Policy Agenda: The Orange Economy**"**, Retrieved from http://latintrade. com/policy-agenda-the-orange-economy.

Pedroni, P. and Sh. Sheppard (2013), "Culture Shocks and Consequences: the Causal Link Between the Arts and Economic Growth", *National Endowment for the Arts, Center for Creative Community Development*, Retrieved from https://www. arts. gov.

The Artprice Annual Report. (2013), Contemporary art Market (2010-2011), Retrieved from http://www. artprice. com.

Hollywoodreporter (2013). Hollywood, Creative Industries Add $504 Billion to U.S. GDP. Retrieved from: https://www.hollywoodreporter.com

U. S. Bureau of Economic Analysis and National Endowment for the Arts. (2013), *Impact of Arts and Culture on U. S. Economy*, Retrieved from https://www. arts. gov.

Zakaria, Y. (2009), *The Visual Arts at Ayigya and Their Economic Aspects*, African: African Art and Culture Faculty of Fine Art College of Art and Social Sciences.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-09]